

ایران

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول: محمد حسن روزی طلب
- سردبیر: حسام الدین برومند
- معاون فنی: محمد ملاعلی اکبری
- دبیران: مصطفی عیوضی (سیاسی) ● مهدی مهرپور (اقتصادی) ● زرین رستمی وند (اجتماعی)

- بنفشه غلامی (جهان)
- لیلا فخری (ادبیه) ● محمد رضا عزیزی (گزارش)
- زهرا کشوری (زیست بوم) ● فرناز قلعه دار (حوادث)
- مهدی کلهر نژاد (اجرای)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
- محسن چانی پور (ویراستاری)
- ابوالفضل نسائی (عکس)

- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ ● نامبر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ● ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ ● روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۳۸ ● امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ: چاپخانه های همشهری، شرکت چاپ جام جم
- سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷۲ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲۰۵



گرچه دیوار افکنند سایه دراز باز گردد سوی او آن سایه باز این جهان گسسته و فعل ما ندا سوی ما ماند نداهار ما ندا

موزه

میراث

موزه سیار در راه مقابله با محرومیت دسترسی

یک موزه سیار از تهران راه گرفته است و واحه به واحه از شهرهای کویری ایران گذر کرده است و در شهرهایی که میزبان شده‌اند ایستاده است در کاشان و یزد تا به زاهدان و چابهار برسد و بر کرانه سواحل دریای عمان از شرق راه گرفته است و از بندرچاسک و میناب گذر کرده تا به تنگه هرمز برسد به خود جزیره هرمز، از بندرعباس راه را ادامه داده و بعد از گذر بر سواحل خلیج فارس به بندرلنگه و بندرکنگ رفته و پای در استان فارس نهاده است.

موزه خیمه‌شب‌بازی خواسته است تا میراث نمایش عروسکی ایران را به نسل‌های نو پیوند دهد و کاری کند که در هر شهر زمینه آشنایی علاقه‌مندان با هنر عروسکی خیمه‌شب‌بازی را فراهم کند و این‌گونه موزه سیار خیمه‌شب‌بازی وسیله‌ای شده است تا موزه در چهاردیواری خود نماند بلکه موضوع خود را به حرکت درآورد و امکان نمایش و تماشا را در هر کرانه فراهم سازد. اگر موزه محملی است برای شناخت و شناساندن یک موضوع از هر وسیله‌ای می‌تواند برای تحقق هدف خود استفاده کند و موزه را بر هر بستری در هر جغرافیا جای دهد.

وقتی موزه سیار در هر کجا توقف کند و خیمه نمایش را برپا کند آنجا برای مدت نمایش به یک موزه تبدیل شده است؛ موزه‌ای موقت که نمایشگاه خود را بر پشت یک ماشین‌جای داده است و می‌تواند یک نمایشگاه با یک میدان یک روستا یا یک کتابخانه یا یک فرهنگسرا را در زمان توقف خود موزه‌ای کند. اما موزه سیار فقط برای تماشا نیست که لحظه‌ای برای تفریح باشد که این لذت و تفریح نیست بخشی از کارکرد امروزی موزه‌ها است. اما موزه سیار راه افتاده است تا در هر شهر و هر روستایی که پذیرا شده و میزبان شود کارگاه آموزشی برگزار کند و برای معلمان و کتابداران و هنرمندان و دانش‌آموزان کارگاه آموزشی خیمه‌شب‌بازی برپا کند تا این هنر را یاد بگیرند و خود هنرور این میراث دیرینه شوند. معلمان و مربیانی که می‌توانند نسل‌های آتی را با خیمه‌شب‌بازی آشنا کنند. موزه‌ای که جاده به جاده می‌رود تا علاقه‌مندان و استعدادهایی را بیابد.

کرانه‌های دور این دیار که تاکنون خیمه‌شب‌بازی را ندیده‌اند و با این هنر آشنا نشده‌اند و هنری که ثبت ملی شده است و اگر نسل‌های جدید آن را ادامه ندهند ممکن است به فراموشی برود و گم شود و اینکه موزه سیار در هر کجا بوساط آموزش بگستراند دانه‌هایی کاشته شده است که می‌تواند در فرای این سرزمین ثمر دهد. این تنها آشنا کردن نیست بلکه در آشنایی می‌تواند هنرهای بومی با این هنر ملی پیوند بخورد و رنگ و بومی محلی بگیرد و انواعی از خیمه‌شب‌بازی با لهجه‌ها و موسیقی‌ها و داستان‌های محلی برآید. در آستانه سال جدیدی که شورش بین‌المللی موزه‌ها- ایکوم شعاع موزه‌ها برای آموزش و پژوهش تعیین کرده است موزه سیار خیمه‌شب‌بازی نشان داده است که موزه اگر بخواهد می‌تواند تنها محدود به حجم مکانی نباشد بلکه مرزهای مکانی را بشکند و به عنوان یک ماشین‌جای داده است و می‌تواند با یک روستا یا یک مدرسه یا یک میدان یک روستا یا یک کتابخانه

تجربه موزه سیار خیمه‌شب‌بازی که می‌تواند در کرانه‌های دیگر ایران ادامه باید الگویی است که نشان داده موزه چگونه می‌تواند در خدمت هنرها باشد یا چگونه خلاقیت و انگیزه هنری می‌تواند سبب پویایی موزه‌ها شود. موزه سیار یک تجربه است که اگر گسترش پیدا کند بسیاری از محرومیت‌های دسترسی به آموزش‌های هنری از دست خواهد رفت.



رضا دبیری نژاد موزه‌دار

میراث

نقل قول

شعر زنان در چهار دهه اخیر پیشرفت‌های چشمگیری داشته است

شعر زنان در چهار دهه اخیر پیشرفت‌های چشمگیری داشته و در همه موضوعات و قالب‌ها شاهد آثار ارزشمندی از بانوان شاعر هستند. نکته قابل توجه و قابل ذکر، ظهور ساحت‌هایی است که تا پیش از این در شعر پارسی و بویژه شعر زنان مغفول بوده است. ساحت‌های ارزشمندی مثل ساحت مادری و همسری، خانواده، تک‌ریم زنان آسمانی، حیا و حماسه و اقتدار زنانه در شعر معاصر بیش از پیش به چشم می‌خورد و زنان شاعر، امروز هم شعر عاشقانه دارند و هم شعر حماسی، زمانی از خانه و خانواده می‌نویسند و زمانی از میدان نبرد و زن شاعر امروز دامنه واژگانی به وسعت فرهنگ غنی اسلامی- ایرانی دارد و شعرش شعر زنان و زمانه ماست. تعداد آثار تولیدی در حوزه ادبیات توسط پدیدآورندگان زن، پیشرفت چشمگیری داشته و از نظر کیفیت نیز کیفیت آثار قابل توجه است و پیشرفت چشمگیری داشته، صادق عینی این ادعا حضور پررنگ و موفق آثار بانوان شاعر در لیست نامزدها و برگزیدگان جوایز معتبر ادبی از جمله جشنواره شعر فجر، جشنواره شعر انقلاب و جشنواره کتاب سال دفاع مقدس است.

بخشی از گفته‌های نغمه مستشارنظامی، شاعر و پژوهشگر ادبی با اینبا



یادداشت

موسیقی، پژواک حق (۳)

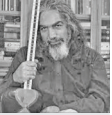
بی‌اهمیت و غیر درخور آن بر خورد کنی. ۲- شوخی، امری ذهنی و یک باور است. حال شما می‌توانید با موضوعات و موارد، خند‌دار شوخی کنید و یا سخت و محکم! اگر تلقی شما از موضوعات (یعنی بی‌اهمیت انگاشتن آن نسبت به مورد جدی خند‌دار باشد، شما با آن شوخی مواجه شده‌اید، یعنی به طرز خند‌دهاری با جدی مواجه شده‌اید؛ یعنی تلقی خند‌دهاری از آن ابراز کرده‌اید و اگر نسبت به هر امری حتی تلقی غیر جدی دیگران به موضوعات (شوخی، محکم و سخت (شبهه جدی) برخورد کنید، غیر خنده‌دار و مضحک (جدی) با آن مواجه شده‌اید. پس می‌توان با شوخی، شوخی مواجه شد و می‌توان با آن جدی مواجه شد. در هر دو صورت، شما نسبت به آن تلقی شوخی (تلقی غیر مهم) داشته و ابراز کرده‌اید. پس گفتیم شوخی‌ها دو دسته‌اند: ۱- جدی، ۲- شوخی، از آن رو بوده است. اگر امری، اتفاقی، موضوعی، رویدادی و... در حوزه معتقدات شما نباشد، آن را جدی نمی‌گیرید. شوخی تلقی می‌کنید. این شوخی (تلقی) می‌تواند با واکنش خندنده (مضحک) رخ دهد (شوخی) و می‌تواند با واکنش محکم و سخت اتفاق افتد (جدی).

پس کلیه کاریکاتورها و هنرهای فکاهی که با اعتقادات و شعائر و مناسک برخورد می‌کنند، از همین نوعند؛ یعنی با امری که در حوزه معتقدات و باورهایشان نیست، خنده‌دار و مضحک روبه‌رو می‌شوند (شوخی) و همه بحث‌های اعتقادی و الهیاتی که در رد اعتقاد و باوری، قد علم می‌کنند، به طرز محکم و سخت با آن مواجه می‌شوند. یعنی ۱- آن را شوخی تلقی کرده‌اند. ۲- و با آن محکم برخورد کرده‌اند (با شوخی، جدی مواجه شده‌اند).

در مورد دوم، اگر اتفاقی با منافع و حوزه تصرفی شخص و اشخاص، در تقابل و تضاد باشد، آن را شوخی تلقی می‌کنند. یعنی به آن واقعی نمی‌نهند و آن را به حساب نمی‌آورند! در مورد سوم، اینکه حرکتی و کنشیتی متضاد با منصب و مقام و شأن و شایستگی باشد، بی‌اهمیت و شوخی (تلقی) مواجه شود. زیرا با وضعیتش در تضاد و تقابل قرار دارد و برای حفظ خود و آبرویش، برخورد محکم و فاطمی با آن نمی‌کند. گاهی هم برای تظاهر و ریا و خرید آبرو، چنین وانمود می‌کند. مانند شرایط «فضای باز سیاسی» قبل از انقلاب. در مورد چهارم: اینکه آدمی، روحاً و وضعاً محتاج تفریح و تقنین و شوخی است و اینجا شوخی، به معنا نوعی تمدد اعصاب و تجدید قوا برای ادامه زندگی که بسیار جدی است، محسوب می‌شود و بیشتر همین امر، باعث تولد شوخی (تلقی بی‌اهمیت داشتن از امور) شده است و در این نوع، ادا و اصول و اطوار، جدی و جدی تقسیم می‌شود. این چه نقش مهم و مؤثری داشته است و سایرین (شوخی) به موارد اجتماعی و سیاسی و... به طوری که آن را به عنوان شاخص‌های از هنر نمایش (طنز) محسوب کنند، از همین مرحله آغاز شده است.

شوخی درعالم وجود ندارد. پس این همه شوخی که هست و از آن دم می‌زنند، چیست؟ شوخی گرفتن جدی است. گفتیم هیچ کار و عمل و اقدامی، غیر جدی نیست. زیرا در آن یک مقصود جدی و مصمم وجود دارد. اگر کسی با کسی شوخی و مزاح می‌کند، منهای حکمت‌های شادان، حداقل لبخند و شادمانی طرف مقابل، برایش جدی و مصمم است. پس با این قصد، به جدیت شوخی کرده است. هم با جدیت شوخی کرده (جدی شوخی کرده) و هم قصدش بجد، شادمانی شخص (اشخاص) بوده است. پس همه چیز جدی است اما چرا شوخی یا تاریخی دامن دراز، در افواه و افکار همه هست؟ به دلیل تلقی ما. ما از کارها و اقدامات دیگران، تلقی جدی نمی‌کنیم؛ یعنی آنها را جدی نمی‌گیریم، اگر کارها جدی تلقی شوند، موضوعیت شوخی منتفی است. شوخی، شوخی است، آنکه که جدی نگیریش! گفتی که اصل در عالم شوخی وجود ندارد؟ آری، همینطور است. اما از ناحیه فعل، هیچ فعلی درعالم، شوخی نیست. اما از ناحیه مخاطب، شوخی معنا می‌یابد. به چه صورت؟! اینطور که فعل و فاعلش را، جدی نگیری. یعنی چه؟ یعنی به آن اهمیت کاری جدی را ندهی. اگر چه آن فعل، جدی و قصد فاعلش جدی است، اما تو آن را جدی ننگرفتی، یعنی تلقی تو از آن جدی نبوده است و همین یعنی شوخی. شوخی، تلقی جدی نگرفتن ما از کاری جدی است.

هرگاه چنین برخوردی با هر کاری شود، آن شوخی محسوب می‌شود؛ درحالی‌که همان‌طور که گفتیم، هیچ کاری در عالم شوخی نیست! بگویان تلقی چی؟ این تلقی عدم جدیت از کار جدی، که شوخی محسوب شده، این خود جدی است یا شوخی؟ قطعاً جدی است. اگر تلقی ما از کاری جدی (که بی‌اهمیت محسوب کردن آن و مفهوم شوخی به آن بخشیدن باشد)، شوخی (غیر جدی) باشد، این هم خود جدی است. تلقی ما هم جدی است ولو جدی نگرفتن کاری جدی باشد. همین جدی نگرفتن، خود جدی است. بجد، چیزی را جدی تلقی نکرده‌ایم و به آن شوخی نام نهاده‌ایم. پس: ۱- شوخی در عالم وجود ندارد (از ناحیه فعل و فاعل) ۲- تلقی ماست که شوخی معنا می‌یابد و همین تلقی هم جدی است. حال چرا اصلاً تلقی شوخی از کار جدی می‌شود؟ زیرا- در حوزه معتقدات و عقاید و باورهای متلقی نیست. ۲- با منافع و مایملک متلقی منافات دارد. ۳- با اختیارات، قدرت، منصب و مسلک متلقی در تضاد است. ۴- فشار کار یا فشار روحی و صعوبت زندگی او را آماده پذیرش شوخی می‌کند. با این حساب، شوخی‌ها خود به دو نوع جدی و جدی تقسیم می‌شود. این چه حرفی است؟ مغالطه است یا بازی با لغات؟! هیچ کدام. بلکه گفتیم اصلاً شوخی وجود ندارد و این تنها تلقی ما از جدی است که شوخی را معنا می‌دهد پس ۱- شوخی، تنها تلقی است. تلقی خاصی از جدی، تلقی اینکه با جدی



محسن نافر آهنگساز، مدرس موسیقی و نوازنده

نگاره

به امید بهاری دیگر در فلسطین



فضای مجازی

پخش و تحلیل فیلم تئاتری قدیمی

احترام برومند، بازیگر و مجری تلویزیون در استودیو خود پوستری از فیلم تئاتر «دیگته» را منتشر و در توضیح آن به چند کلمه اکتفا کرده: «بعد از پنجاه و پنج سال». این فیلم تئاتر سال‌ها قبل به روی صحنه رفته و حالا در سینما تک خانه‌نرمندان ایران نمایش داده و تحلیل و بررسی می‌شود. نمایش «دیگته» نوشته غلامحسین سعیدی (گوهر مراد)، به کارگردانی داود رشیدی، سال ۱۳۴۹ در مدت زمان ۵۹ دقیقه اجرا شده است و فیلم تئاتر آن چهارشنبه دوم اسفند ۱۴۰۲ ساعت ۱۷ در سالن استاد فریدون ناصری برای علاقه‌مندان نمایش داده می‌شود. پس از نمایش این فیلم تئاتر، نشست تحلیل، بررسی و نقد آن با حضور عباس غفاری (میزبان)، افشین خورشیدی باختری (استاد دانشگاه و منتقد تئاتر) و احترام برومند (مهمان) برگزار می‌شود. خسرو شجاع زاده، منوچهر فرید، یدالله شیراندانی، اصغر سمسارزاده، پرویز فتی زاده و سیاهش ظهروار بازیگرانی هستند که در این نمایش ایفای نقش کرده‌اند. علاقه‌مندان برای حضور در این جلسه می‌توانند به سایت تی‌وال مراجعه کنند.



رباعی کامران شرفشاهی در وصف دریاچه «کیو»

کامران شرفشاهی، شاعر و پژوهشگری که به‌تازگی در شبکه‌های اجتماعی، دست به معرفی برخی بناهای باستانی و زیبایی‌های اقلیمی و محیطی کشورمان می‌زند، در تازه‌ترین پست خود فیلم کوتاهی از دریاچه «کیو» را منتشر کرده و در شرح آن نیز نوشته: «منظره زیبای جوشش دریاچه «کیو» در قلب خرم‌آباد لرستان پس از بارندگی‌های اخیر». شرفشاهی، در ادامه یک رباعی را هم با دنبال‌کنندگان صفحه‌اش به اشتراک گذاشته که در ادامه می‌خوانید: «خواهم ز خدا برایت آبادی را/ در چهره مردمان تو شادی را/ بر پهنه سرزمینت ای مهین من/ صلح و برکت، شکوه آزادی را»

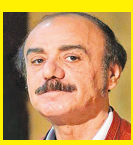
رمانی خواندنی از مؤمنی شریف

محمد حمزه زاده، نویسنده ادبیات داستانی در پست تازه خود، نکاتی را درباره رونمایی رمان «ماه و بلوط»، نوشته‌ای از محسن مؤمنی شریف با دنبال‌کنندگان صفحه‌اش به اشتراک گذاشته است. وقایع اصلی این رمان که به‌تازگی در انتشارات سورهمهر به چاپ رسیده است، در چهارچوب روایت زندگی چند شخصیت داستانی و تقاطع حوادث شگفت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جغرافیایی بی‌نظیر کردستان در بازه‌زمانی دهه‌های ۳۰ تا ۶۰ و متکی بر ژرف‌کاوی بستر تاریخ می‌گذرد. «ماه و بلوط» خواننده را در عبور از متن حوادثی نفس‌گیر و جذاب، به درکی جدید از مفهوم ازلی و ابدی هویت انسان مسلمان ایرانی و رابطه او با وطن و وطن‌پرستی و پیوندش با باورهای دینی و ملی می‌رساند؛ مفهومی که از آن به «انسان انقلاب اسلامی» تعبیر شده است. گفتنی است، حسن روح‌الامین، نقاش شناخته شده کشورمان طراحی جلد این رمان را بر عهده داشته است و برای اولین بار، هم‌زمان در دو نسخه تک جلدی و دو جلدی منتشر می‌شود.

نوشته‌ای درباره رمان احمد آرام

احمد آرام، نویسنده، مترجم و کارگردان تئاتر در پست تازه‌اش نگاه یکی از منتقدان ادبی به کتاب «باغ استخوان‌های نمور» را منتشر کرده: این کتاب، رمانی از احمد آرام است.

در نقدی که وی منتشر کرده آمده: «هر کتاب احمد آرام به‌زعم من بهتر از کتاب قبلی اوست و این‌گونه از نویسندگان هم‌نسلش پیشی گرفته و حالا در رمان (باغ استخوان نمور)، جامعه‌ای را نوشته، آکنده از حس تنفر که ترور می‌زاید و خشونت می‌ورزد، گویی عتیق است که منفجر شود و تاریخ و داروندارش چون دود به هوا برود.» در بخش دیگری از این نوشته می‌خوانید: «احمد آرام تمام داستان مسخ کافکا را از بر است و او نیز به گونه‌ای مسخ یک جریان مدرن تروریستی می‌شود. همه اینها با کلی قصه‌های فرعی و ارجاعات هوشمندانه و جزئیات خلاقانه دیگر رمانی ساخته شده که کامل و جذاب و خواندنی است.» به گفته احمد آرام، این رمان از آثار قبلی او تکنیکی تر و دارای زبانی نوتر است. این رمان به مسأله امروز منطقه و جهان می‌پردازد و پیرامون مسأله تروریسم، داستانی را مطرح می‌کند. رمان روایتی از انسانی است که از عشق و علاقه‌ای که به کافکا دارد تحت تأثیر رمان «سوخ» این نویسنده قرار گرفته و دچار رویاپردازی‌ها و توهمات می‌شود. در پی این توهمات قهرمان داستان وارد ماجراها و اتفاقات مختلفی می‌شود که با تروریسم ارتباط پیدا می‌کند. در واقع او در یک لامکان پای در مسیری می‌گذارد که از روی ناچاری مجبور به اقداماتی می‌شود. در واقع رمان، مدام بین زمان‌های گذشته و حال در گردش است.



نما

بیست‌و چهارمین نمایشگاه رسانه‌های ایران از ۲۹ بهمن به مدت ۴ روز تا دوم اسفند در مصلی امام خمینی (ره) برگزار می‌شود.

عکس: رضا معزطیان ایران